

احیاء فرهنگ ایرانی و اسلامی جهت جلوگیری از اسراف و اتلاف منابع

بهروز عشقی ملایری

دانشگاه بوعلی سینا، همدان

چکیده

با توجه به نقش عمده فرهنگ و اعتقادات دینی در آموزش پذیری جامعه، به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، راهکار نهایی پایان دادن به بهره برداری بی حد و حصر انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسؤلیت پذیری مشترک جهت حفاظت محیط زیست احیاء فرهنگ های اصیل ملل و رویکرد به تعالیم دینی و بهره گیری از رهنمود های ادیان الهی است.

بسیاری از مبانی فرهنگی ما که با اعتقادات دینی آمیخته است حاوی تعالیم و رهنمود های ارزشمندی است که میتواند راهگشای مشکلات کنونی نسل بشر باشد. از آن جمله نحوه نگرش و برخورد فرهنگ ایرانی و منابع اسلامی با طبیعت به عنوان آثار رحمت و برکت و مذموم دانستن بارزترین و عمده ترین عامل کاهش منابع طبیعی و افزایش ضایعات یعنی خصلت اسراف و تبذیر است.

مقدمه

مشکلات و بحرانهای کنونی منابع طبیعی و ملی به مرحله ای رسیده است که میتوان ادعا کرد حل آنها از عهده دولتها و نهاد ها و تشکیلات دولتی و غیردولتی خارج است، تنها با بسیج عمومی و همکاری و مشارکت همه ساکنان زمین میتوان این بحرانها را کاسته و یا به رفع آنها پرداخت. از سوی

دیگر به تجربه ثابت شده است که بسیج عمومی در مواردی که اهداف برنامه‌ها ریشه در اعتقادات فرهنگی و باورهای دینی مردم داشته باشد با موفقیت و پیشرفت بیشتری همراه است. لذا اغلب صاحب‌نظران بر این باورند که تنها راه نجات انسان و خاتمه دادن به تخریب و اتلاف روز افزون منابع طبیعی رویکرد به تعالیم دینی و بهره‌گیری از دستورات و راهنمایی‌های ادیان الهی است.

قرن بیستم که با جدایی دین از علم، اقتصاد از فرهنگ و مادیات از معنویات شروع شد نهایتاً با بروز بحرانهای عمده زیست محیطی به رویکرد مجدد اندیشمندان و محققین جهان به اصول و مبانی دینی و اخلاقی انجامید. از سال ۱۹۷۷ که بر اساس برنامه سازمان ملل، بررسی نقش ادیان در مقابله با بحرانهای زیست محیطی توسط دانشگاه هاروارد آغاز شده است تاکنون هزارها مقاله و تحقیق ارزشمند توسط اندیشمندان و پژوهشگران دنیا ارائه شده است که بر ضرورت بازگشت به فرهنگ دینی و بنیان‌گذاری اخلاق زیست محیطی تأکید نموده‌اند و معتقدند که ادیان جهان می‌توانند از نیروی خود برای پایان دادن به بهره‌برداری بی‌حد و حصر انسان از منابع طبیعی و ایجاد روحیه مسئولیت‌پذیری مشترک جهت حفاظت محیط زیست استفاده نمایند.

در این میان مبانی فرهنگ ایرانی و دیدگاههای اسلام و قرآن در تبیین ارزش واقعی منابع طبیعی و عوامل محیط زیست به عنوان آیات و نشانه‌های علم، قدرت و عظمت آفریننده جایگاه ویژه‌ای به خود اختصاص داده است.

جایگاه منابع طبیعی در فرهنگ ایران

خوشبختانه کشور ما با قرار گرفتن در محل تلاقی فرهنگ اصیل ایرانی و تعالیم عالی اسلامی از پتانسیل بالایی در زمینه حفاظت و حرمت منابع طبیعی برخوردار است. کتب ادبی ما سرشار از اشعار و تمثیل‌هایی است که بیانگر ارزش والای طبیعت از دیدگاه ایرانیان به عنوان آیه‌ها و نشانه‌های شناخت و عشق به معبود است. آب، نان و هر چیزی از طبیعت از دیدگاه ایرانیان تنها به عنوان منابع مصرفی محسوب نمی‌گردند، بلکه نمونه‌های رحمانیت، قدرت و تدبیر باری تعالی به حساب می‌آیند و هر برگ درختی دفتری است در معرفت‌کردگار. به همین دلیل ایرانیان به نمک که ظاهراً فراوان‌ترین و کم‌ارزشترین منبع طبیعی است قسم می‌خورند، نان را لگد نمیکنند و آلوده کردن آب را گناه می‌شمرند.

دیدگاه قرآن در مورد اسراف و تبذیر

قرآن مجید آموزش پذیری و توانایی رشد فرهنگی انسان را عامل عمده مقابله با فساد و تباهی زمین معرفی نموده است. وقتی خداوند خبر آفرینش انسان و قراردادن او به عنوان خلیفه خود در زمین را به ملائکه اعلام می نماید، گویا آنها به دلیل آگاهی از خصوصیات فطری افزون طلبی و سرکشی انسان از قوانین طبیعی نگرانی خود از بروز فساد و تباهی توسط انسان در زمین را اعلام مینمایند. (أَتَجْعَلُ فِيهَا مَنْ يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَاءَ - بقره ۳۱). خداوند برای رفع تشویش آنها، به آموزش علم اسماء به انسان اشاره می فرماید. بدیهی است که مقصود از اسماء تنها لغات و نامها نیست، زیرا تنها فراگرفتن لغات موجب برتری آدمی و دلیل خلافت او در زمین نمیشود، بلکه قدرت درک و احساس و تعقل حقیقت تعلیم اسماء است که با قدرت اختیار و تصرف بهم پیوسته و نتیجتاً آگاهی از فلسفه خلقت هر یک از پدیده های آفرینش، آدمی را به مقام خلافت در زمین میرساند.

از دیدگاه قرآنی اسراف کلمه بسیار جامعی است که هرگونه زیاده روی در کمیت و کیفیت و بیهوده گرایی و اتلاف و مانند آن را شامل می شود، یکی از مذموم ترین اعمال محسوب میگردد و در آیات و روایات فراوانی از آن مذمت شده است. با توجه به محدودیت منابع روی زمین، هر اسراف کاری سبب محرومیت بسیاری از انسانهای بی گناه خواهد شد. روح اسراف معمولاً با خودخواهی و خودپسندی و بیگانگی از خدا و خلق خدا همراه است.

این روش قرآنی است که به هنگام تشویق به استفاده از مواهب فوراً جلو سوء استفاده را گرفته و به اعتدال توصیه مینماید. هنگامیکه امر به خوردن و نوشیدن و استفاده از نعمتهای الهی می فرماید چون طبع زیاده طلب انسان ممکن است از این دستور سوء استفاده کرده به جای بهره وری عاقلانه و اعتدال آمیز از پوشش و تغذیه صحیح، راه تجمل پرستی و اسراف و تبذیر را پیش گیرد، بلافاصله تاکید میکند که: كَلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا بخورید و بیاشامید و از اسراف بپرهیزید که خداوند مسرفان را دوست ندارد.

به خاطر اثرات زیانبار اسراف و تبذیر، این خصلت ناپسند در کلام الهی شدیداً محکوم شده، در ردیف گناهان قرار گرفته و مسرفان برحسب مورد به درجات مختلفی از عقاب وعده داده شده اند.

آنگاه که سخن از اسراف در کارهای نیکی همچون استفاده از زینت و لباس نیکو به هنگام حضور در مسجد و ادای حقوق فقرا یا اعمال مباحی مثل خوردن و آشامیدن در میان است مجازات مسرفان

محرومیت از دوستی خدا است (إِنَّهُ لَا يُجِبُ الْمُسْرِفِينَ: اعراف-۳۱، انعام-۱۴۱). اگر اسراف دلیل نادیده گرفتن آیات الهی باشد، مسرفان از هدایت الهی محروم (غافر-۲۸) و در گمراهی خواهند بود (غافر-۳۳)، در آخرت نابینا محسور میشوند (طه-۱۲۷) و از اصحاب دوزخ محسوب میگردند. نفی اسراف در احکام فقهی نیز تسری پیدا کرده است. طبق نظر علمای شیعه و سنی اسراف در آب وضو موجب بطلان آن است و اسراف در اموال دیگران و اموال عمومی موجب ضمان می‌گردد.

در قرآن مجید اسراف در نقطه مقابل قوام بکار برده شده است (وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا - سوره فرقان آیه ۶۷)، قوام به معنی عدالت، استقامت، حد وسط و چیزی است که هم معتدل است و هم باید استقرار داشته باشد. لذا میتوان گفت این تعبیر زیبا اشاره به اثر زیانبار اسراف در بهم زدن استقرار و تداوم سیستم‌ها است. این همان نتیجه‌ای است که امروزه در اثر استفاده بی‌رویه و اسراف گونه از منابع طبیعی شاهد آن هستیم.

اسراف منشاء شومی و بدبختی است (یس-۱۹)، موجب هلاکت مسرفان میگردد (انبیاء-۹) و اسراف کاران در زندگی دنیا دچار سختی معیشت میگردند (طه-۱۲۳).

بدون شک همانگونه که تداوم حیات در کره زمین طی میلیونها سال نشان داده است نعمتها و مواهب موجود در این کره برای ساکنانش کافی است، البته به شرطی که بیهوده به هدر داده نشود و میزان و اعتدال رعایت گردد. قرآن مجید در آیات فراوانی اسراف و تبذیر را محکوم کرده مسرفان را از اصحاب دوزخ و تبذیر کنندگان را همراه و همکار شیطان معرفی نموده و راه رسیدن به فلاح و رستگاری را رعایت اعتدال و میزان دانسته است. حتی در زمانیکه هنوز اثری از کمبود مواد اولیه و تخریب محیط زیست مشهود نبوده است، مکرراً هشدار داده شده است که در بهره‌برداری از مواهب و نعمتهای خداوند اسراف و تبذیر روا مدارید.

از دیدگاه قرآن طبیعت اسراف با سایر گناهان تفاوت‌های زیادی دارد و همین تفاوتهاست که اثرات زیانبار مادی و معنوی آنرا تشدید مینماید.

اسراف برخلاف سایر گناهان در نظر مسرفان زیبا جلوه مینماید (زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ. یونس - ۱۲). حتی مؤمنین و خدا پرستان و آنانکه از شدت ایمان بدون احساس ضعف در کنار پیامبران می‌جنگند نیز از آن در امان نیستند و از خداوند طلب بخشش ذنوب و اسراف خود را دارند.

(آل عمران-۱۴۷). در بهترین کارها همچون زینت مساجد (اعراف-۳۱) و اجرای احکام الهی مثل قصاص (اسراء-۳۳) و حتی انفاق در راه خدا (فرقان ۶۷) نیز خطر اسراف موجود است.

چنانچه اسراف به اتلاف و تضييع منابع و نعمتهای خداداد بیانجامد تذبذیر محسوب میشود. به تعبیر قرآن تذبذیر کنندگان همچون برادران شیطانند چرا که آنان نیز همچون شیطان کفران نعمت پروردگار را نموده اند (ان المبذرين كانوا اخوان الشياطين و كان الشيطان لربه كفورا. اسراء-۲۶ و ۲۷).

مالکیت خدا

مسأله مالکیت حقیقی خداوند حقیقتی است قرآنی که بسیاری از احکام و قوانین مهم اسلامی مبتنی بر آن میباشد و در حقیقت نسبت به قسمت عمده ای از احکام اسلام جنبه زیربنایی دارد. خدای تعالی اموال را وسیله معاش و مایه قوام جامعه انسانی قرار داده و برای شخص معین وقف نکرده است تا تغییر و تبدیل نپذیرد...

تنها رعایت این اصل میتواند بخش عمده ای از مشکلات منابع ملی را حل نماید، چون از نظر بینش توحیدی مالک اصلی خدا است و هرگونه تصرفی در هر بخشی از عالم بدون اجازه و رعایت نظر مالک اصلی زشت و ناپسند و غیر مشروع محسوب میشود. خداوند نه اجازه اسراف داده است و نه اجازه بخل و تنگ چشمی.

در مواردی که بعضی از اموال به برخی افراد جامعه اختصاص می یابد رعایت مصلحت جمع بر مصلحت فرد مقدم خواهد بود و مالکیت فردی و خصوصی به بعضی از مال نباید مزاحم حقوق جمع باشد و حق اجتماع را ضایع سازد.

بنا به تعبیر علامه طباطبایی در تفسیر المیزان همانگونه که در آیه شریفه تحویل اموال ایتام به اولیای آنها و پرهیز از هدر رفتن آن توصیه شده است مجموع اموال و ثروتی که در روی کره زمین و زیر آن است و بالاخره آنچه در دنیا وجود دارد متعلق به عموم ساکنان کره است. بر تک تک افراد بشر واجب است که این مال را حفظ نموده از هدر رفتن آن جلوگیری نمایند و این مواهب که توسط خداوند جهت استقرار و دوام زندگی به انسانها اعطا شده است نباید در اختیار افراد سفیه و کسانی که از روی نادانی موجب هدر رفتن آنها میشوند قرار گیرد (وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ

قیاماً نساء- ۵). آیه شریفه دلالتی است بر حکم عمومی که متوجه جامعه اسلامی است و آن حکم این است که جامعه برای خود شخصیتی واحد دارد و این شخصیت واحد، مالک تمامی اموال روی زمین است. خدای تعالی زندگی این شخصیت واحد را بوسیله این اموال تأمین کرده و آنرا رزق وی ساخته است. پس بر جامعه لازم است که امر این مال را اداره نموده، در معرض رشد و ترقیش قرار دهد و کاری کند که روز به روز زیادتر شود تا به همه و تک تک افراد وافی باشد. به همین منظور باید در ارتزاق با مال حد وسط و اقتصاد را پیش گیرد و آن را از ضایع شدن و فساد حفظ نماید. علامه طباطبایی معتقد است که مراد از (وَأَرْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ) این است که ارتزاقشان از خود سرمایه و اصل آن نباشد. بلکه از درآمد مال ارتزاق کنند. به همین دلیل به جای (مِنْهَا) از اصطلاح (فِيهَا) استفاده شده است.

پیشنهاد

با توجه به موارد فوق برنامه ریزی منسجم در جهت احیاء فرهنگ اصیل ایرانی و توسعه احکام و تعالیم دینی در مورد نقش و اهمیت واقعی طبیعت، تفهیم مالکیت حقیقی خداوند بر همه اموال و منابع ملی، مذمت اسراف و تبذیر و ایجاد روحیه صرفه جویی بخصوص در مورد منابع ملی راهکاری است که میتواند جامعه ما را به سمت بهره وری معقول از منابع طبیعی هدایت نماید.

منابع

- ۱- وات کنت، مبانی محیط زیست انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد ترجمه عبدالحسین وهاب زاده- ۱۳۷۴.
- ۲- طالقانی محمود، پرتوی از قرآن، شرکت سهامی انتشار- ۱۳۴۵.
- ۳- طباطبایی محمد حسین، تفسیر المیزان.
- ۴- مکارم شیرازی ناصر، تفسیر نمونه انتشارات دارالکتب اسلامیه ۱۳۶۵ ج ۴، ۵، ۶ و ۱۵.